

نقش بانوان در تقویت عواطف مادرانه با الگوگیری از سیره حضرت زهرا (س)

معصومه احمدی

فاطمه حسین پور^۱

سیده فاطمه یداللهی

چکیده:

تربیت عاطفی در متن زندگی از زمان شکل گیری و متن تا پایان حیات که فرزند آدم را مهندسی می کند، همان مسئله خانواده و عاطفه و محبت است. برای همین در متون دینی مهمترین مسئله ای که روی آن تأکید شده مسئله محبت و عاطفه است و بالاترین مقامی که انسان می تواند پیدا کند در ارتباط با خدا و خالق هستی، مسئله محبت است.

یکی از نام های حضرت زهرا هانیه است یعنی زنی دلسوز، اثر این حانیه بودن و با محبت بودن را تا جایی می بینیم که امام زمان (عج) فرمودند: الگوی من در حکومت و زندگی حضرت زهرا (س) است یعنی اگر یک مادری آن وظایف مادری را دقیق اجرا کند، تمام بشریت در طول تاریخ به واسطه آن تربیت صحیح زن و مادر از بدی ها نجات می یابند و به سعادت و کمال می رسند. حضرت زهرا نگاه در همه ابعاد زندگی مسئله محبت و عاطفه را در اولویت قرار می دهند، مثلاً همیشه نخستین کسی است که به استقبال پدر با گریه می رود و زخم های بدن او را مرحم می گذارد و کلماتی را می گوید که تلخی جنگ را از پیغمبر دور می کند، چنانکه در جنگ احد که آنقدر سخت بود و امیرالمومنین (ع) می فرمایند پیامبر آنقدر زخم داشت که نماز عصرش را نشسته خواند، وقتی جنگ تمام می شود و حضرت زهرا (س) به استقبال پدر می آید چنان زخم ها را مرحم می گذارد و برای پدر مهربانی می کند که پیامبر فشار جنگ را فراموش می کند. حضرت زهرا (س) اصل محبت را به فرزندان یاد می دهد که به هم مهرورز باشند.

واژگان کلیدی: بانوان، عواطف مادرانه، الگوسازی، سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها)

^۱ - طلاب ورودی ۹۷ مدرسه علمیه ریحانه الرسول نکا

مقدمه

پرورش روحی و جسمی کودک از مهم ترین وظایف زن در خانواده است. از دیدگاه اسلام فرزند عطیه و موهبتی الهی است. فرزند پاره تن والدین و باعث برکت و رحمت است. پس تربیت و پرورش فرزند و ساختن روح و شخصیت او از وظایف سنگین و مسئولیت های بزرگ والدین است که هرگز آن ها نمی توانند نسبت به آن کوتاهی نمایند.

دشمن همیشه با تهاجم فرهنگی به دنبال سست کردن پایه های اعتقادی بانوان ، خانواده ها و به دنبال آن جامعه می باشد ، از این رو یکی از وظایف بانوان طلبه مواجهه با این هجمه های فرهنگی دشمن است چرا که بانوان به عنوان عنصر اصلی و مهم خانواده هستند و ایت امر نیازمند مطالعه و شناخت دقیق و کارشناسانه ی ارزشهای اسلامی و نقش و جایگاه مادری است .

از آنجا که مادر رابطه ای دائمی با فرزندان دارد و ابراز مهر و محبت او به فرزندان نسبت به پدر بیشتر است، بنابراین مادر می تواند از راههای بیشتری جهت تقویت و ابراز عواطف مادرانه بهره برد از این رو ، یکی از بهترین راهها که می توان از آن الگو گیری کرد بهره برداری از سیره ی مادرانه ی حضرت زهرا (س) می باشد. بدین ترتیب ؛ این پرسش مطرح میشود که نقش بانوان طلبه با الگو گیری از سیره مادرانه حضرت زهرا (س) چیست؟

ضمن تحسین پژوهندگان محترم، از جمله : سید فاطمه حبیبی با عنوان مقاله ابعاد نقش مادر در اسلام – اکرم باجلان مقاله : طرح نظام اخلاقی مادرانه ؛ در این مقاله سعی شده تا با مرور تاریخی ، تفاوت اخلاقی زنان و مردان و سپس برتری اخلاقی زنان را بررسی کند .

باید بیان نمود که غالب این تحقیقات به اصل نقش مادری در اسلام اشاره داشته است و الگو گیری از سیره ی مادرانه حضرت زهرا (س) مورد غفلت واقع شده است و ضرورت انجام این پژوهش برخاسته از همین غفلت می باشد.

نقش سازنده ی مادر در تعیین مسیر و سرنوشت کودک بسیار در خور توجه و امعان نظر است تا آن جا که نقطه آغازین سعادت و شقاوت انسان ها را دامن مادر و محیطی که مادر مهم ترین رکن آن است، دانسته اند: السعید من سعد فی بطن امه والشقی من شقی فی بطن امه (بحار الانوار، ص ۱۵۷)؛ سعادت و شقاوت انسان در شکم مادرش تعیین می شود.

با توجه به برخوردهای عاطفی و منطقی فاطمه (س) با کودکانش می بینیم که حضرت در پرورش روح و بنیان

های شخصیتی فرزندانش به قدری با ظرافت و دقت عمل نمود که هر یک از فرزندان او از بزرگ ترین افراد بشر قرار گرفتند و صفحات بزرگی از تاریخ را ورق زدند و عملاً به الگوها و اسوه های مقاومت، ایثار، صبر و از خودگذشتگی و شجاعت... تبدیل شدند. پس روش تربیتی فاطمه(س) بهترین شیوه و روش برای ساختن نسلی سعادتمند و موفق است، هرچند در شکل گیری شخصیت فرزندان فاطمه(س) عامل وراثت از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما عامل خانواده و شیوه های تربیتی و تعلیم و تربیت زهرا(س) به همراه پدر بزرگوارشان علی(ع) از تأثیر به سزایی برخوردار بوده است.

یکی از نیازهای اساسی کودک محبت و دوست داشتن است. عدم توجه والدین به این نیاز فطری باعث ایجاد کمبودها و مشکلات روانی خواهد شد، یکی از روان شناسان بر این مهم تأکید کرده و می نویسد: چنان چه کودک در اولین سال های زندگی خود از محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی عصبیت و بیماری های روانی در وی تکوین می یابد و بعدها در بزرگ سالی منشأ بسیاری از درگیری های عاطفی و اضطراب عمیق در او می شود. (شرفی، ص ۷۸) بر همین اساس بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی و بزهکاری های افراد در بزرگ سالی ریشه در خلأ عاطفی و کمبود محبت در دوران کودکی دارد و بیشترین امری که می تواند از نظر روانی این میل باطنی کودک به محبت را ارضا نماید، آغوش گرم مادر است؛ بنابراین اگر بخواهیم جامعه ای پاک و ارزنده داشته باشیم باید نقش اساسی مادران را مورد توجه قرار بدهیم زیرا بیشترین تأثیر را در فرهنگ سازی و ثبات و سلامت شخصیت بر عهده دارند. احساس محبت مادر به فرزند باعث ایجاد حس تعلق او به خانواده و مهربانی متقابل او به والدین می شود و فردی که از محبت سرشار والدین بهره مند باشد هرگز در جامعه تحت تأثیر محبت سطحی و ساختگی افراد نالایق قرار نمی گیرد و به راه های نادرست کشانده نخواهد شد. فاطمه(س) در عشق ورزی و محبت به کودکان می تواند بهترین اسوه برای زنان باشد. او که خود از سرچشمه ی محبت و رحمت نبوی سیراب شده و همواره از طرف رسول خدا(ص) با جملاتی چون فداها ابوها، فاطمه بضعة منی خطاب شده بود و با بوسیدن ها و در آغوش گرفتن های پدر آشنا بود، خود در ایفای نقش مادری و عشق و محبت به فرزندان نمونه بود.

حضرت در روابط کلامی و محبت آمیز خود با خطاب مهربانانه فرزندانش را یا قرّة عینی نور چشمم و ثمره فؤادیمیه ی دلم صدا می کرد. (نیلی پور، ص ۱۸۰) همچنین به سفارش پیامبر(ص) بچه ها را دسته گل می دانست؛ قال رسول الله ۹ الولد ریحانة و ریحانتای الحسن والحسین(بحارالانوار، ۲۸۱) حضرت زهرا(س) رسیدگی و محبت به فرزندانش را بر هر کار دیگری مقدم می داشت و معتقد بود که در نگه داری و پرورش فرزند، مادر نسبت به هر کس دیگری سزاوارتر است.

صاحب نظران مسلمان نیز با توجه به دیدگاه اسلام، بر اهمیت نقش مادری و اولویت آن نسبت به اشتغال تأکید

کرده اند. برای نمونه امام خمینی(ره) با این که تأکید فراوانی بر مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه داشتند، اشتغال زنان را تا آن جا می پذیرفتند که به خانواده لطمه نخورد، زیرا زن را مربی جامعه می دانستند. (ستوده، ص ۱۷۲)

پرورش روحیه عبادی در کودکان؛ یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا(س) در تربیت فرزندانش به آن توجه داشتند، بُعد پرستش در فرزندان به انجام تکالیف الهی و عبادی بود. فطرت کودک براساس خداپرستی است. (فطرة الله التي فطر الناس عليها(روم، ۳۰)؛ خداوند صفت خداپرستی را در روح و ذات کودک قرار داده است. پرورش این فطرت و سرشت پاک بر عهده ی والدین است و اگر آن ها در این امر مسامحه نمایند راهزنان و منحرفان فکری سرشت پاک فرزندانشان را آلوده و منحرف می کنند. اما به طور یقین فردی که در کودکی با خضوع و خشوع در برابر خداوند آشنا شود و حلاوت و شیرینی عبادت را بچشد و محبوب واقعی و منبع حیات و قدرت را با عشق و شور بندگی بشناسد هرگز در جوانی جذب جلوه های دروغین دیگر مکاتب نمی شود. فاطمه(س) دین باوری و شوق بندگی معبود را از اوان کودکی در جان و روح فرزندانش می دمید و روح خدا پرستی و توحید را در وجود آن ها تقویت می کرد تا آن جا که فرزندانش بالاترین لذت ها را در عبادت خداوند می دیدند. اگر امام حسین(ع) در لحظات پایانی حیات خود زیر ضربات تیر و شمشیر دشمنان نماز به پا می دارد جلوه ای از تربیت دینی فاطمه(س) را نشان می دهد.

البته در عبادت آن چه مهم است پیوند دائمی و همیشگی فرد با خدا و ناظر دانستن او بر اعمال است، حالات مادر مانند تضرع و خضوع در عبادت و زمزمه ها و لالایی های او مهم ترین عامل برای تدین فرزندان به شمار می رود؛ چون کودکان مقلدان خوبی هستند که همه چیز را تقلید می کنند، با استفاده از این زمینه در کودک می توان اعمال عبادی مثل نماز و روزه و انجام مستحبات را در آن ها نهادینه کرد. در قرآن چه اهتمام به عبادت و سفارش ن به اعضای خانواده در کنار هم ذکر شده اند. (و أمرُ اهلک بالصلاة واصطبر علیها (طه، ۱۳۲). بازی و تحرک در کودک؛ بازی و تحرک کودکان نیز در شیوه تربیتی فاطمه(س) مورد توجه قرار داشت تا آن جا که فاطمه(س) برای رشد و تکاپوی بیشتر کودکانش خود با آن ها هم بازی می شد. بازی های کودکانه که به نظر بی هدف وقت گذرانی بیهوده است در حقیقت نوعی تمرین و آموزش زندگی است. بازی در اجتماعی شدن و همانند سازی کودک با محیط نقش مهمی دارد و به کودک کمک می کند تا مهارت های اجتماعی را بیاموزد و آن ها را تحکیم بخشد و به صورت ابتدایی به کار گیرد، همچنین بازی باعث پرورش نیروی خلاقیت و ابتکار کودک می شود. پیامبر اکرم(ص) در کلامی شیوا می فرماید: من کان عنده صبی فلیتصاب له(وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۶) کسی که نزد او کودکی است باید به حالت کودک در آیدبا او هم بازی می شود. پیامبر(ص) با این کلام ارزش و اهمیت هم نشینی و بازی با کودکان را خاطرنشان می سازد تا مربیان و

والدین علاوه بر این که از بازی ها و شیطنت های کودکان خود ناراحت و ناامید نشوند بلکه با آنان همراهی کنند. بازی با کودکان یکی از راه های اظهار محبت به آن هاست و آثار نیکویی دارد و علاوه بر نشاط و شادی کودک باعث رشد استعدادها و تلطیف احساسات او می شود و والدین می توانند در ضمن بازی با کودک نکات اخلاقی و ارزش های انسانی را به او بیاموزند. پیامبر(ص) با فرزندان فاطمه(س) هم بازی می شد. در روایت آمده است: روزی رسول خدا(ص) با دست و پا راه می رفت و حسن و حسین(ع) بر پشت آن حضرت سوار بودند و رو به آنان می فرمود: بهترین مرکب، مرکب شماس است و شما بهترین سوار هستید. (مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۶۵) فاطمه(س) خود نیز با فرزندانش هم بازی می شد و در حین بازی با استفاده از الفاظ و حملات مناسب سعی در ساختن شخصیت کودکانش و ارائه الگویی مناسب در زندگی برای آن ها داشت. حضرت زهرا(س) با فرزندش امام مجتبی(ع) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود: إِشْبِهْ أَبَاكَ يَا حَسَنَ وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الْوَسْنَ وَاعْبُدِ اللَّهَ إِذَا مَنَّ وَلَاتُوالِ ذَالِاحْنِ(همان، ص ۲۸۶)

پسرم حسن مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق بر کن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن.

رعایت عدالت در مورد فرزندان؛ دین اسلام در همه مسایل، مسلمانان را به عدالت توصیه نموده است: (... اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... (مائده، ۸)؛ عدالت پیشه نمایید که به تقوا نزدیک تر است. رعایت عدالت و رفتار هماهنگ با کودکان نیز یکی از اصول تربیتی اسلام در مورد فرزندان است پیامبر اکرم فرموده اند: بین فرزندان با عدالت رفتار نمایید چنان که دوست دارید در نیکی و محبت به شما با عدالت رفتار نمایند. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۱)

رعایت عدالت در بین فرزندان باعث جلب اعتماد فرزندان و عامل مهمی در تربیت صحیح آنان است، والدین می توانند نمودهای عدالت را در ابراز محبت، تأمین نیازهای مادی، گفتگو و مشاوره و هدیه و خرید و ... نسبت به فرزندان نشان دهند. تبعیض و مقدم داشتن یکی از فرزندان بر دیگران باعث ایجاد حس حسادت و نفرت در دیگر کودکان می شود و زمینه ای برای انحراف و لجاجت در کودک خواهد شد. به این جهت در روایات سفارش شده که والدین در بوسیدن فرزندان(کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۵)، هدیه دادن(همان، ص ۴۴۴) و سایر اعمال خود بین فرزندان به مساوات رفتار نمایند. امام خمینی(ره) هم در تحریر الوسيله می فرمایند: اگر هدیه دادن به فرزندی به جهت برتری او بر فرزندان دیگر باعث تحریک حسادت و کینه سایرین شود و فتنه برانگیزد حرام است. (خمینی(ره)، ج ۲، ص ۶۱)

در برخورد فاطمه(س) با فرزندان نمونه هایی از رعایت این اصل مهم تربیتی به چشم می خورد. روزی امام حسن(ع) نزد پیامبر(ص) آمد و اظهار تشنگی کرد و از پیامبر(ص) تقاضای آب نمود. رسول خدا(ص) بی درنگ

برخاسته، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن داد. در این هنگام حسین(ع) خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد. اما پیامبر به حمایت از امام حسن(ع) مانع گرفتن شیر شد. فاطمه(س) که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن(ع) برای شما عزیزتر از حسین است پیامبر(ص) فرمود: نه هر دو برایم عزیز و محبوبند، ولی چون اول حسن(ع) تقاضا کرد او را مقدم داشتم. (مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۸۳)

سخن فاطمه(س) به رسول اکرم(ص) نشانه اهتمام حضرت(س) در عدالت و عدم تبعیض بین کودکان، قابل تأمل است. فاطمه(س) به قدری به رعایت اصل عدالت معتقد بود که به هنگام داوری بین آن ها نیز این مسأله را رعایت می کرد تا مبادا یکی از آن دو رنجیده خاطر شود. پرورش روحیه نوع دوستی و مواجهه با مشکلات؛ از دیگر روش های تربیتی فاطمه(س) ایجاد حس نوع دوستی و روحیه انفاق و بخشش در کودکان بود، در کتب حدیثی وارد شده که فرزندان فاطمه(س) همواره شاهد آن بودند که مادرشان به مردم کمک کرده و خود گرسنه می ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می کرد. (همان، ج ۴۱، ص ۳۴) .

کمک و انفاق فاطمه(س) به مردم تنها در مسایل اقتصادی نبود، بلکه از نظر اخلاقی و ارشاد و هدایت مردم نیز به آن ها کمک می کرد و از این طریق اعمال نیک و عواطف پسندیده را به کودکان خود آموزش می داد. امام حسن(ع) می فرمایند: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت مشغول بود و مرتب مؤمنین و دیگران را دعا می کرد در حالی که هیچ دعایی برای خود نمی کرد پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنید، برای خودتان دعا نمی کنید فرمود فرزندانم الجار ثم الدار ؛ ابتدا همسایه سپس خانه(همان، ج ۴۳، ص ۸۱).

فرزندان فاطمه(س) در مقاومت و مبارزه با مشکلات را هم از مادر آموخته بودند، بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) زمانی که فاطمه(س) برای بازپس گرفتن حق همسر مظلومش به احتجاج با خلفا پرداخت و در این راه سختی های روحی و جسمی فراوانی را به جان خرید، کودکان فاطمه(س) شاهد این ماجرا بودند. آن ها نیز به دلیل موقعیت های ویژه و خاص خود دشمنان و مشکلات زیادی در زندگی خود داشتند اما هرگز در برابر سختی ها و ناکامی ها سر تسلیم فرود نیاوردند و تا پای جان به مقاومت پرداختند. می توان گفت بسیاری از این رفتارها در زندگی فرزندان زهرا(س) برگرفته از شیوه های تربیتی مادر بزرگوارشان بود. در تاریخ آمده است روزی خلیفه دوم روی منبر بود. امام حسین(ع) که کودک خردسالی بود وارد مسجد شد و گفت از منبر پدرم پایین بیا. عمر گریه کرد و گفت: راست می گویی این منبر پدر توست؛ نه منبر پدر من. ممکن بود کسانی تصور کنند، امام حسین(ع) در مجلس عمومی به دستور پدر بزرگوارش چنین گفته باشد،

برای رفع این توهّم حضرت علی(ع) از میان مجلس برخاست و با صدای بلند فرمود: به خدا قسم، گفته حسین از ناحیه من نیست، عمر نیز قسم یاد کرد و گفت یا ابالحسن راست می گویی، من هرگز شما را در گفته فرزندت متهم نمی کنم. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ص ۱۴۵) .

او خوب می دانست که حسین(ع) در دامان چه کسی پرورش یافته است و نمونه این اعتراض ها را از جانب مادر او نیز دیده بود. زینب(س) دختر بزرگوار فاطمه(س) نیز با کرامت و شجاعتی که از مادر فراگرفته بود، بعد از عاشورا پیام شهیدان را زنده نگاه داشت و در مجلس یزیدیان با شکوه و ابهت به پاسداری از خون شهدا پرداخت. با وجودی که عزادار و مصیبت زده بود، هرگز در جایگاه ضعف قرار نگرفت و در بیان حوادث کربلا فرمود: ما رأيتُ الاّ جمیلاً؛ جز زیبایی چیزی ندیدم (مجلسی، ج ۴۵، ص ۱۱۶).

برخی افراد ادعا می کنند در الگوگیری و اسوه پذیری از شخصیت ها، زمان و مکان عامل مهم و تأثیرگذاری است. بنابراین بسیاری از اعمال و قالب های رفتاری اسوه ها ویژه همان عصر و زمان خودشان است و در زمان های بعد، برای دیگران قابل اقتدا و تأسی نیست به عنوان مثال افرادی که در سال های اولیه ظهور اسلام می زیستند، نمی توانند الگوی مناسبی برای جوانان امروز باشند. در پاسخ باید گفت منظور از اسوه پذیری این نیست که همان قالب های رفتاری فرد الگو را مد نظر قرار داده و به همان شکل در زندگی به کار بریم. به عنوان مثال در سیره حضرت زهرا(س) می بینیم که جهیزیه حضرت در چند ظرف گلی و حصیری خلاصه شده بود و تا مدت ها فاطمه(س) و خانواده گرمی اش بر روی پوست گوسفندی زندگی می کردند که روزها شترشان روی آن علف می خورد و شب ها برای خواب از آن استفاده می کردند و یا چادری که زهرا(س) به سر می کرد از لیف خرما بود و وصله های متعددی داشت. امروزه به طور حتم نمی توان این گونه عمل نمود و در همان قالب و شکل رفتاری حضرت، زندگی کرد، اما آن چه ارزشمند و قابل تأسی است، حقیقت و روح این رفتارهاست. محتوا و حقیقت این فرازها از زندگی زهرا(س)، ساده زیستی و روح بی اعتنایی به دنیا و پارسایی و دوری از تجمل گرایی است. هر یک از رفتارهای فاطمه(س) دارای حقیقت است که آن را به سادگی و با تحلیل و استنباط می توان در همه زمان ها و در همه ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به کار برد. البته رفتارهایی هم در سیره فاطمه(س) وجود دارند که عیناً قابل اقتباس و تقلید است مانند احترام به همسر و فرزندان و یا نداشتن تقاضای نامقدور و رفتار مناسب و مهرورزی به خانواده که روز به روز ارزش و اهمیت این اعمال برای همگان روشن تر می شود. پس الگوها منحصر به زمان و مکان نیستند و در همه اعصار می توان برای الگوگیری به آن ها مراجعه نمود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن
۲. شرفی، محمدرضا، (۱۳۷۱ش)، **مراحل رشد و تحول انسان**، انتشارات قرن.
۳. نیلی پور، مهدی، (۱۳۹۴ش)، **فرهنگ فاطمیه**، تهران: انتشارات بوستان فدک.
۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، ج ۴۳.
۵. امیررضا ستوده، **پا به پای آفتاب**.
۶. حرعاملی، (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، ج ۲۱، ناشر: آل البيت.
۷. علاء الدین علی بن حسام، **کنز العمال**، ج ۱۶.
۸. امام خمینی(ره)، **تحریر الوسيله**، ج ۲.

۹. فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم.